فصلنامه علمی
پژوهش‌های اعتقادی .کلامی
سال شانزدهم/ شماره۶۴/ زمستان ۱۴۰۵

The Quarterly Journal of
Theological - Doctrinal Research
16 th Year/ No: 64/ Winter 2027

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۰۹ - ۹۱

سنجش دقت تفسیری مدل زبانی Claude در تحلیل آیات مشکل قرآن کریم؛ مطالعه موردی: استواء بر عرش (طه: ۵)

محمود رحمانیان کوشککی [۱]
محسن زارعی جلیانی [۲]
غلامرضا ستوده [۳]
محمد امین پیر بنیه [٤]

چکیده

پژوهش حاضر به ارزیابی عملکرد معنایی مدل زبانی Claude در تحلیل آیه پنجم سوره طه، «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»، به‌مثابه نمونه‌ای کلاسیک از متشابهات قرآنی و صفات خبریه می‌پردازد. این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای در تقاطع علوم قرآنی، کلام اسلامی و پردازش زبان طبیعی، سه محور اصلی را بررسی می‌کند: دقت واژه‌شناختی و بلاغی مدل در فهم استعاره استواء، انطباق خروجی مدل با رویکردهای تفسیری فریقین شامل معتزله، اشاعره و امامیه، و پدیده توهم الهیاتی در پردازش صفات خبریه. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل در سطح واژه‌شناختی از چندمعنایی آگاهی نسبی دارد، اما در بازسازی ساختار استدلالی مکاتب کلامی و درک «معنای تعلیقی» موضع تفویض با محدودیت‌های بنیادین ساختاری روبروست که ریشه در ماهیت پردازش آماری زبان دارد، نه در نقص فنی خاص.

واژگان کلیدی

بر عواء بر عرش، مدل‌های زبانی بزرگ، توهم الهیاتی، کلام اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری،گروه علوم قران و حدیث،واحد کازرون،دانشگاه آزاد اسلامی،کازرون،ایران.
Email: 2460021852@iau.ac.ir
۲. گروه معارف اسلامی ،واحد کازرون،دانشگاه آزاد اسلامی،کازرون،ایران. (نویسنده مسئول)
Email: 2570116386@iau.ac.ir
۳. گروه فنی مهندسی،واحد شیراز ، دانشگاه آزاد اسلامی ،شیراز، ایران.
Email: Gr_sotudeh@iau.ac.ir
۴. گروه مهندسی،واحد کازرون،دانشگاه آزاد اسلامی،کازرون،ایران.
Email: MA.pirbonyeh@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۴/۲۷ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۷/۲۱

طرح مسأله

تلاقی میان سنت‌های دیرپای تفسیر قرآنی و فناوری‌های نوین پردازش زبان طبیعی، پرسش‌هایی بنیادین درباره ظرفیت‌ها و محدودیت‌های ابزارهای محاسباتی در مواجهه با متون مقدس پدید آورده است. در این میان، آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) به‌دلیل موقعیت ویژه‌اش در تاریخ کلام اسلامی، آزمونگاهی دقیق برای سنجش این ظرفیت‌ها به شمار می‌رود. این آیه در طول چهارده قرن، محل نزاع میان مکاتب کلامی اصلی اسلامی بوده و هر یک از آن‌ها بر اساس پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی متفاوت، تفسیری خاص از واژه «استواء» ارائه داده‌اند؛ از تفویض مالک بن انس که کیفیت را مجهول می‌خواند، تا تأویل معتزله که استواء را به استیلاء باز می‌گرداند، و اثبات بدون تکییف اشاعره که میان نفی تشبیه و اثبات صفت راهی میانه می‌پوید، و تفسیر وجودشناختی امامیه که در آثار علامه طباطبایی تجلی یافته است.

مدل‌های زبانی بزرگ نظیر Claude با آموزش بر روی حجم انبوهی از متون چندزبانه، توانایی‌هایی قابل توجه در پردازش متون دینی از خود نشان داده‌اند. با این حال، ماهیت آماری این مدل‌ها که در آن معنا از الگوهای هم‌نشینی واژگانی در داده‌های آموزشی استنتاج می‌شود، نه از سنت تفسیری زنده، پرسشی جدی پیش می‌نهد: آیا این مدل‌ها قادرند پیچیدگی‌های چندلایه متشابهات قرآنی را با دقت کافی بازنمایی کنند؟ این پرسش از آن جهت اهمیت می‌یابد که استفاده از مدل‌های زبانی در پژوهش‌های قرآنی و کلامی رو به گسترش است و آگاهی از محدودیت‌های آن‌ها برای هر پژوهشگری که به این ابزارها متکی است ضرورتی معرفتی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از منابع اصیل علوم قرآنی، کلام اسلامی و ادبیات پردازش زبان طبیعی، می‌کوشد این محدودیت‌ها را در سه سطح واژه‌شناختی، بلاغی، و کلامی-استدلالی صورت‌بندی کند و از این طریق چارچوبی برای ارزیابی نقادانه کاربرد مدل‌های زبانی در حوزه الهیات اسلامی فراهم آورد. نتایج این بررسی نه‌تنها برای محققان قرآن‌پژوه و متکلمان، بلکه برای توسعه‌دهندگان سیستم‌های هوش مصنوعی که در حوزه‌های دینی و

فرهنگی حساس فعالیت می‌کنند نیز دارای ارزش کاربردی است.

پیشینه تحقیق

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ١٤، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ق.

این اثر تفسیری جامع در تحلیل آیه استواء، رویکردی فلسفی-وجودشناختی اتخاذ می‌کند که آن را از تفاسیر کلام‌محور متمایز می‌سازد. طباطبایی استواء را در چارچوب ربوبیت الهی و احاطه وجودی تفسیر کرده و بر خلاف مسیر سلبی معتزله، معنایی ایجابی اما غیرجسمانی برای آن پیشنهاد می‌دهد. این اثر یکی از منابع اصلی سنجش دقت خروجی مدل در بازنمایی موضع امامیه است. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برخلاف المیزان که خود یک تفسیر قرآنی است، موضوع آن ارزیابی نقادانه توانایی یک ابزار محاسباتی در بازنمایی این تفسیر و مقایسه آن با سایر رویکردهاست؛ یعنی نه تولید تفسیر، بلکه تحلیل معرفتی نحوه پردازش تفسیر.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی و نقد روش‌های تفسیری ماشینی در فهم متشابهات قرآن»، رساله دکتری، دانشگاه قم، دانشکده الهیات، ١٤٠١ش.

این پایان‌نامه از نخستین پژوهش‌های فارسی است که به‌طور مستقیم به چالش‌های کاربرد ابزارهای محاسباتی در فهم متشابهات قرآنی پرداخته است. پژوهشگر با بررسی چند سامانه پردازش متن، نشان داده که این سامانه‌ها در مواجهه با ساختارهای چندمعنایی قرآنی دچار تقلیل‌گرایی معنایی می‌شوند. نوآوری پژوهش حاضر در تمرکز بر مدل زبانی بزرگ نسل سوم یعنی Claude است که از نظر معماری و حجم آموزشی با سامانه‌های مورد بررسی در آن پایان‌نامه تفاوت اساسی دارد، و همچنین در صورت‌بندی مفهوم «توهم الهیاتی» به‌مثابه طبقه‌ای مستقل از پدیده توهم در مدل‌های زبانی.

Ji, Ziwei et al., "Survey of Hallucination in Natural Language Generation", ACM Computing Surveys, vol. 55, no. 12, 2023, pp. 1-38.

این مقاله مروری جامع‌ترین صورت‌بندی موجود از پدیده توهم در مدل‌های زبانی را ارائه می‌دهد و تقسیم‌بندی دوگانه توهم وفاداری و توهم واقعیت را مطرح می‌کند. این

چارچوب نظری پایه‌ای برای تحلیل خطاهای معنایی مدل در حوزه متون دینی فراهم می‌آورد. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که این چارچوب عمومی را به قلمرو خاص الهیات اسلامی منتقل کرده و طبقه سومی از توهم، یعنی توهم الهیاتی، را پیشنهاد می‌دهد که ویژگی‌های خاص متون کلامی از جمله صفات خبریه و موضع تفویض را در بر می‌گیرد و در چارچوب اصلی مقاله مذکور جایی ندارد.

وجه ممیزه پژوهش با پیشینه‌ها

آنچه پژوهش حاضر را از مجموع پیشینه‌های موجود متمایز می‌سازد، تلفیق سه حوزه‌ای است که پیش از این به‌صورت موازی و مستقل از یکدیگر پیش رفته‌اند: سنت تفسیری کلاسیک، کلام تطبیقی میان مذاهب اسلامی، و نقد فنی مدل‌های زبانی بزرگ. المیزان یک تفسیر است، نه نقد ابزار؛ پایان‌نامه رضایی اصفهانی به سامانه‌های پیش از عصر مدل‌های بزرگ زبانی می‌پردازد و فاقد تحلیل کلامی تطبیقی عمیق میان مذاهب است؛ مقاله Ji و همکاران نیز بافت دینی و الهیاتی را در نظر ندارد و صرفاً یک چارچوب محاسباتی ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر نخستین کوشش است که آیه‌ای خاص را به‌عنوان آزمونگاه انتخاب کرده، رویکردهای کلامی فریقین را در ساختار استدلالی درونی‌شان، نه صرفاً در نتایج تاریخی‌شان، معیار سنجش قرار داده، و از این طریق مفهوم «توهم الهیاتی» را به‌عنوان طبقه‌ای تحلیلی جدید پیشنهاد می‌کند که هم برای پژوهشگران علوم قرآنی و هم برای متخصصان هوش مصنوعی دارای ارزش عملیاتی است. این میان‌رشته‌ای بودن واقعی، و نه تزئینی، برجسته‌ترین وجه تمایز این پژوهش از پیشینیان آن است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و روش کی اصلی ازجام شده است. داده‌های اصلی از دو منبع فراهم آمده‌اند: نخست، منابع کلاسیک علوم قرآنی و کلام اسلامی شامل تفاسیر، کتب متشابهات و آثار کلامی فریقین که معیار سنجش دقت مدل را تشکیل می‌دهند؛ و دوم، خروجی‌های تجربی مدل Claude در پاسخ به پرسش‌های هدفمند درباره آیه استواء که با روش تحلیل محتوای کیفی ارزیابی شده‌اند. مقایسه خروجی‌های

مدل با ساختار استدلالی هر مکتب کلامی معیار اصلی سنجش انطباق بوده و چارچوب نظری توهم در مدل‌های زبانی به‌عنوان ابزار تحلیلی به‌کار رفته است.

۱. مبانی نظری و مفاهیم

مفهوم «آیات متشابه» در سنت علوم قرآنی یکی از مباحث بنیادین و پردامنه‌ای است که از دیرباز ذهن مفسران، متکلمان و اصولیان را به خود مشغول داشته است. ریشه این بحث در آیه هفتم سوره آل‌عمران نهفته است که قرآن کریم خود، آیات خود را به دو دسته «محکمات» و «متشابهات» تقسیم می‌کند: «**هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ**» (آل‌عمران: ۷). علمای قرآنی در تعریف متشابه اتفاق نظر ندارند؛ برخی آن را به آیاتی محدود کرده‌اند که معنای ظاهری‌شان با اصول عقلی یا اعتقادی در تعارض است، و برخی دیگر آن را به طور گسترده‌تری به هر آیه‌ای که احتمال معانی متعدد داشته باشد اطلاق کرده‌اند. زرکشی در البرهان فی علوم القرآن این اختلاف را به تفصیل گزارش کرده و تعریف جامعی را پیشنهاد می‌دهد که بر اساس آن، متشابه آن است که دلالتش بر مدلول خاص خود قطعی نباشد و محتمل تأویل باشد (زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج۲، ص۶۹). سیوطی نیز در الإتقان فی علوم القرآن با مراجعه به آرای پیشینیان، متشابه را در سه دسته جای می‌دهد: متشابهاتی که فهم آن‌ها برای هیچ کس ممکن نیست مانند اوقات قیامت، متشابهاتی که مردم می‌توانند بدانند، و متشابهاتی که علمای راسخ می‌دانند (سیوطی، جلال‌الدین، الإتقان فی علوم القرآن، ج۳، ص۳). این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که مسئله متشابه نه یک بحث صرفاً زبان‌شناختی، بلکه یک مسئله معرفت‌شناختی و کلامی است که مستقیماً با مرزهای علم انسانی و علم الهی پیوند خورده است. اهمیت این تمایز برای پژوهش حاضر در آن است که آیه پنجم سوره طه، یعنی «**الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى**»، نمونه‌ای کلاسیک و پرچالش از همین دسته متشابهات است که نحوه مواجهه هر نظام تفسیری با آن، معرف رویکرد کلی آن نظام در برابر صفات الهی است.

در کنار مفهوم «متشابه»، اصطلاح «مشکل‌القرآن» نیز در سنت تفسیری جایگاه ویژه‌ای

دارد که با آن متفاوت است. ابن‌قتیبه در اثر ماندگار خود تأویل مشکل القرآن نخستین تلاش منظم برای رویارویی با عبارات دشوار و ظاهراً متناقض قرآن را به ثمر رساند. او مشکل را نه به معنای ابهام ذاتی، بلکه به معنای دشواری فهم برای خواننده‌ای می‌داند که با ساختارهای بلاغی عرب آشنا نیست؛ از همین روی پاسخ او به مشکلات قرآنی عمدتاً ماهیتی بلاغی–ادبی دارد (ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأ۵).۱۱۵). این رویکرد در تقابل جدی با روش متکلمانی است که مشکل را از دریچه اصول عقلی تفسیر می‌کنند. آنچه در این میانه اهمیت دارد آن است که آیه استواء بر عرش در هر دو نوع ادبیات، یعنی هم در آثار «متشابهات‌نگاری» و هم در آثار «مشکل‌القرآن»، به‌طور مکرر مورد بحث قرار گرفته است؛ این امر به خودی خود نشانگر ژرفای چالشی است که این آیه برای سنت اسلامی ایجاد کرده است. دلالت این واقعیت برای ارزیابی عملکرد مدل‌های زبانی روشن است: هر مدلی که ادعای پردازش معنایی دقیق در این حوزه دارد، باید با این پیچیدگی چندلایه روبرو شود، نه آنکه صرفاً به ارائه گزارشی ساده از یک دیدگاه بسنده کند.

پیشینه تفسیری آیه «**الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى**» (طه: ۵) به قرن اول هجری بازمی‌گردد. روایاتی منسوب به برخی صحابه و تابعین از جمله مجاهد بن جبر نقل شده که استواء را به «استقرار» تفسیر کرده‌اند، اما صحت اسناد برخی از این روایات مورد بحث است. در مقابل، مالک بن انس پاسخ مشهوری دارد که نقطه عطفی در تاریخ این بحث به شمار می‌رود: «الاستواء معلوم، والکیف مجهول، والسؤال عنه بدعة» (الاستواء معلوم است، کیفیت آن مجهول، و پرسش از آن بدعت است). این موضع که به «تفویض» معروف است، نه انکار معنا و نه اثبات کیفیت جسمانی است، بلکه توقف در برابر ناشناختنی است. در طرف دیگر، معتزله با تمسک به اصل تنزیه و امتناع تشبیه، استواء را به «استیلاء و سلطه» تأویل کردند، رویکردی که در آثار قاضی عبدالجبار معتزلی و ابار قاضی عبدالجبار معتزلی و ابضی عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، ج۷، ص۱۱۶). اشاعره، به ویژه امام الحرمین جوینی و بعدها فخر رازی، رویکردی میانه را پیش گرفتند که اثبات صفات بدون تکییف بود. در سنت امامیه، شیخ طوسی در التبیان و طبرسی در مجمع البیان مسیری نزدیک به تأویل معتزلی، اما با تکیه بر آموزه‌های کلامی اهل بیت پیموده‌اند

(طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج۷، ص۱۱).

برای فهم اصول پردازش معنایی در مدل Claude و مدل‌های زبانی بزرگ (LLMs) به‌طور عام، باید از معماری پایه‌ای این مدل‌ها آغاز کرد. این مدل‌ها بر اساس معماری Transformerو آموزش بر روی حجم عظیمی از داده‌های متنی، توانایی پردازش زبان طبیعی را به دست می‌آورند. در اصل، این مدل‌ها بازنمایی‌های برداری (Vector Representations)از کلمات و عبارات ایجاد می‌کنند که روابط معنایی میان آن‌ها را در یک فضای چندبُعدی بازتاب می‌دهند .Devlin و همکاران در معرفی مدلBERT ، که پایه‌ای برای بسیاری از مدل‌های متأخر از جمله خانواده مدل‌های بزرگ است، نشان دادند که این رویکرد می‌تواند درک زمینه‌محور (Contextual Understanding) قابل توجهی از زبان فراهم آورد (Devlin, Jacob et al., "BERT: Pre-training of Deep Bidirectional Transformers for Language Understanding", 2019, p. 4). با این حال، نقطه اساسی برای موضوع مقاله حاضر آن است که درک معنایی این مدل‌ها از ماهیت خود آن‌ها منفک است: مدل هیچ فهم اعتقادی، تاریخی یا حتی زبانشناختی واقعی از محتوا ندارد، بلکه الگوهای آماری را از داده‌های آموزشی بازتولید می‌کند. این خصیصه در مواجهه با متون الهیاتی که در آن‌ها معنا نه در الگوی آماری بلکه در سنت تفسیری زنده نهفته است، به‌طور بنیادین محدودیت‌زا می‌شود. بنابراین ارزیابی دقیق عملکرد Claudستلحلیل آیه استواء مستلزم توجه همزمان به هر دو بعد است: آنچه مدل می‌داند و آنچه از ماهیت پردازش زبانی‌اش نمی‌تواند بداند.

۲. ارزیابی دقت واژه‌شناختی و بلاغی Claude در فهم استعاره استواء

واژه «استواء» در زبان عربی از ریشه «س-و-ی» مشتق است و در کاربردهای لغوی اصیل خود معانی متعددی را شامل می‌شود که عبارتند از: راست و هموار شدن، تعادل و برابری، کمال و استقامت، و نشستن یا قرار گرفتن بر چیزی. ابن‌منظور در لسان العرب ذیل ماده «سوی» این معانی را با شواهد فراوان از شعر جاهلی و کاربردهای قرآنی دیگر گردآوری کرده است (ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد، لسان العرب، ج۱۴، ص۴۱۳). آنچه

برای ارزیابی خروجی مدل زبانی اهمیت دارد، آن است که این معانی در یک پیوستار معنایی قرار دارند و هیچ‌کدام به تنهایی و بدون در نظر گرفتن سیاق، صرف و نحو، و اصول کلامی، بر مراد الهی قطعی دلالت نمی‌کند. معجم مقاییس اللغه ابن‌فارس نیز این گستردگی معنایی را تأیید می‌کند و اصل ماده را بر «اعتدال و استقامت» استوار می‌داند، نه بر «نشستن» به معنای جسمانی (ابن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج۳، ص۱۱۳). از این رو، آزمون اول ارزیابی یک مدل زبانی آن است که آیا این چندمعنایی اصیل را بازنمایی می‌کند یا به یک معنا تقلیل می‌دهد. در آزمون‌هایی که محققان در حوزه پردازش زبان طبیعی برای متون مقدس انجام داده‌اند، نشان داده شده که مدل‌های بزرگ زبانی اغلب معنای شایع‌تر در داده‌های آموزشی را به جای معنای دقیق زمینه‌محور an, KatikapKalyan, Katikapalli Subramanyam, "A Survey of GPT-3 Family Large Language Models Including ChatGPT and GPT-4", Natural Language Processing Journal, vol. 6, 2024, p. 5).

از منظر بلاغت عربی، عبارت «عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» ساختار خاصی دارد که در آن تقدیم جار و مجرور «عَلَى الْعَرْشِ» بر فعل «اسْتَوَى» اهمیت معنایی قابل توجهی دارد. در علم معانی، این تقدیم می‌تواند دلالت بر تخصیص یا تأکید داشته باشد. این نکته به خودی خود یک سؤال تفسیری ایجاد می‌کند که آیا این ساختار مفهوم «استواء» را به «عرش» اختصاص می‌دهد، یا صرفاً ظرفیت معنایی را توصیف می‌کند. زمخشری در الکشاف با رویکرد معتزلی خود این ساختار را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که با تأویل «استیلاء» سازگار است و تقدیم را دلیلی بر خصوصیت سلطه الهی می‌داند (زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج۳، ص۵۶). فخر رازی در مفاتیح الغیب نیز به این ظرافت بلاغی پرداخته، اما آن را نه برای تقویت تأویل بلکه برای تثبیت موضع «اثبات بدون تکییف» به کار می‌گیرد (فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج۲۲، ص۶). حال سؤال این است که آیا Claude در پردازش این عبارت، این ظرافت نحوی را تشخیص می‌دهد و آن را در تحلیل خود لحاظ می‌کند؟ مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که مدل معمولاً گزارش اجمالی از وجود اختلاف تفسیری می‌دهد، اما از تحلیل نحوی و بلاغی دقیق که خود می‌تواند یکی از ادله هر رویکرد باشد، به‌طور مستقل سخنی نمی‌گوید مگر

آنکه کاربر به‌طور مستقیم آن را بخواهد.

مسئله پیچیده‌تر آن است که فهم استعاره در این آیه، اگر استعاره بودن آن را پذیرفتیم، مستلزم نوعی خاص از استدلال است که با استعاره‌های متعارف زبان‌های طبیعی متفاوت است. در استعاره‌های متعارف، یک حوزه مبدأ (Source Domain) به حوزه مقصد (Target Domain)نگاشت می‌شود. اما در اینجا حوزه مقصد یعنی ذات الهی، طبق اصل تنزیه، نه‌تنها ناشناختنی بلکه اساساً غیرقابل نگاشت است. این بدان معناست که استعاره استواء، اگر استعاره باشد، یک «استعاره شکسته» یا به تعبیر برخی فلاسفه دین، یک «نمادین‌وارگی (Symbolicity) «است که در آن ارجاع به حوزه مقصد از طریق نفی کیفیت، نه اثبات آن، صورت می‌گیرد Soskice .در اثر خود Metaphor and Religious Languageاین پیچیدگی را برای زبان دینی به طور کلی صورت‌بندی کرده است (Soskice, Janet Martin, Metaphor and Religious Language, Oxford: Clarendon Press, 1985, p. 102).مدل‌های زبانی که بر اساس الگوهای آماری نگاشت‌های استعاری را یاد گرفته‌اند، در برابر این نوع استعاره‌های الهیاتی که منطق آن‌ها نفی نگاشت است، به طور ساختاری با محدودیت مواجه می‌شوند.

عملکرد Claude در سطح واژه‌شناختی نسبت به پردازنده‌های متن ساده‌تر پیشرفت‌هایی نشان می‌دهد: مدل عموماً از تحمیل یک معنای جسمانی خام بر واژه «استواء» پرود تفا وجود تفاسیر گوناگون را گزارش می‌دهد. اما ضعف اصلی در سطح بلاغی ظاهر می‌شود، آنجا که مدل قادر به تولید تحلیل مستقل از روابط درونی متن نیست و نمی‌تواند از نحو آیه، نظام معنایی خاص الهیات اسلامی را استنتاج کند. این محدودیت آشکار می‌سازد که دقت واژه‌شناختی مدل در مقایسه با دقت بلاغی آن بالاتر است؛ امری که با ماهیت آموزش این مدل‌ها همخوانی دارد، چرا که آموزش واژه‌محور در داده‌های آماری انعکاس بیشتری نسبت به تحلیل بلاغی پیشرفته دارد.

جدول نتایج ارزیابی دقت واژه‌شناختی و بلاغی Claude در فهم استعاره استواء

مؤلفه ارزیابی	وضعیت عملکرد و دقت مدل	نقاط قوت و محدودیت‌ها	ریشه و علت پردازشی
دقت واژه‌شناختی	بالا	بازنمایی چندمعنایی ریشه «س-و-ی» و پرهیز از تحمیل تجسیم خام	وفور شواهد لغوی و الگوهای بسامدی در داده‌های آموزشی
تحلیل ساختار نحوی	متوسط به پایین	ناتوانی در تحلیل خودکار دلالت‌های تقدیم جار و مجرور («عَلَى الْعَرْشِ») بر حصر یا تأکید	تقلیل تحلیل نحوی به گزارش کلی از وجود اختلاف
فهم استعاره تنزیهی	پایین	ناتوانی در تحلیل «استعاره شکسته» (نگاشت مبتنی بر سلب کیفیت نه اثبات مابه‌ازا)	محدودیت مدل‌های آماری در نگاشت حوزه‌های مبدأ به مقاصد غیرقابل‌توصیف

۳. تحلیل انطباق خروجی مدل با رویکردهای تفسیری و کلامی فریقین

در تقسیم‌بندی کلی سنت اسلامی، سه رویکرد اصلی در مواجهه با آیه استواء بر عرش شکل گرفته است: تفویض (که با نام سلف‌نگاری نیز شناخته می‌شود)، تأویل (که با کلام معتزلی و بخشی از کلام امامیه همراه است)، و اثبات بدون تکییف (که موضع رسمی اشعری است). هر یک از این رویکردها دارای پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی و کلامی مشخصی است که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به اختلاف در لغت تقلیل داد. برای ارزیابی خروجیClaude ، باید پرسید که مدل آیا این پیش‌فرض‌ها را شناخته و بازنمایی می‌کند یا صرفاً نتایج نهایی هر رویکرد را بدون بیان ساختار استدلالی آن‌ها ذکر می‌کند. تجربه تعاملی با مدل نشان می‌دهد کهاً به گزدتاً به گزارش تاریخی از مواضع مختلف می‌پردازد، یعنی از رویکرد معتزله، اشاعره، و امامیه به صورت کلی یاد می‌کند، اما از ساختار

استدلالی درونی هر رویکرد به‌گونه‌ای که در آثار اولیه آن مکاتب موجود است، با عمق کافی سخن نمی‌گوید.

رویکرد معتزله به آیه استواء مبتنی بر اصل توحید و تنزیه است که در نظام کلامی آنان جایگاهی محوری دارد. قاضی عبدالجبار، به عنوان برجسته‌ترین متکلم معتزلی، استواء را به «استیلاء» تأویل می‌کند و استدلال می‌آورد که قبول معنای جسمانی مستلزم تحدید ذات الهی است که با واجب‌الوجود بودن خداوند متناقض است (قاضی عبدالجبار، المغنی، ج۷، ص۱۱۶). این استدلال ساختاری دارد که بر سه مقدمه استوار است: خداوند از جسم و جهت منزه است، استواء به معنای جسمانی مستلزم جهت و مکان است، پس استواء به معنای جسمانی قابل اثبات برای خداوند نیست. در ارزیابی خروجیClaude ، مدل معمولاً نتیجه این استدلال را گزارش می‌کند اما ساختار منطقی آن را بازسازی نمی‌کند، مگر آنکه کاربر به‌طور صریح بخواهد. این تفاوت میان «گزارش دیدگاه» و «بازسازی ساختار استدلالی» یکی از مهم‌ترین شکاف‌های دقت تفسیری مدل است.

موضع اشاعره در قالب آنچه معمولاً «اثبات بدون تشبیه» خوانده می‌شود پیچیدگی‌های درونی خود را دارد. ابوالحسن اشعری در کتاب الإبانة عن أصول الديانة ابتدا از موضع ظاهرگرایانه‌تری دفاع می‌کند، در حالی که در اللمع رویکرد دقیق‌تری را پی می‌گیرد (اشعری، ابوالحسن، الإبانة عن أصول الديانة، ص۹۱). جوینی در الإرشاد و غزالی در الاقتصاد فی الاعتقاد مسیر تثبیت موضع «اثبات بدون کیفیت» را کامل‌تر طی می‌کنند. فخر رازی در تفسیر خود آشکارترین موضع اشعری را در تقابل با معتزله اتخاذ می‌کند .

Claudeدر بازنمایی این سیر تطور درونی اندیشه اشعری به طور معمول ضعف نشان می‌دهد و گویی تمام اشاعره را واجد یک موضع واحد و یکدست می‌داام اشاعره را واجد یک موضع واحد و یکدست می‌دازم تمایزاتی دقیق‌تر است. این ساده‌سازی از سوی مدل را می‌توان نوعی از همان پدیده‌ای دانست که محققان در ارزیابی عملکرد مدل‌های زبانی در حوزه استدلال دینی به آن اشاره کرده‌اند (Navigli, Roberto & Conia, Simone, "Semantic Role Labeling: An Introduction to the Special Issue", Computational Linguistics, vol. 47, no. 4, 2021, p. 4).

در سنت امامیه، رویکرد به آیه استواء از ترکیب تنزیه اکید و ارجاع به روایات ائمه (ع)

شکل می‌گیرد. شیخ مفید در تصحیح اعتقادات الإمامیه اعلام می‌کند که استواء باید به معنایی تأویل شود که هیچ‌گونه مکان‌مندی و جسمیت را برای خداوند اثبات نکند (شیخ مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص۵۷). علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن با رویکردی فلسفی‌تر، استواء را در چارچوب ربوبیت و احاطه وجودی تفسیر می‌کند و بر خلاف معتزله، تأویل را از منظر وجودشناختی ارائه می‌دهد نه صرفاً از منظر سلبی (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص۱۵۵) Claude .در مقایسه با بازنمایی موضع معتزله و اشاعره، در بازنمایی موضع امامیه غالباً دقت کمتری نشان می‌دهد و این احتمالاً بازتاب کمتر حضور منابع کلام امامی به زبان انگلیسی در داده‌های آموزشی مدل است، که خود نشانگیری ناخ ناخواسته داده‌محور در بازنمایی سنت‌های غیرغالب در اینترنت به زبان انگلیسی است.

جدول نتایج تحلیل انطباق خروجی مدل با رویکردهای تفسیری و کلامی فریقین

مکتب کلامی	سطح بازنمایی در خروجی	نقاط قوت	چالش‌ها و شکاف‌های استدلالی
معتزله (تأویل)	گزارش نتیجه‌محور	ذکر پیوند تأویل استواء به «استیلاء» بر پایه اصل تنزیه	عدم بازسازی صغری و کبرای منطقی و استدلال‌های سه‌گانه قاضی عبدالجبار
اشاعره (اثبات بلاکیف)	توصیف یکدست و تقلیل‌یافته	انتساب موضع رسمی «اثبات بدون تکییف» به کلیت مذهب	غفلت از تطور تاریخی اندیشه اشعری (تمایز الإبانهٔ، الإرشاد و تفسیر فخر رازی)
امامیه (احاطه وجودی/تنزیه)	ضعیف تا متوسط	اشاره اجمالی به نفی جسمیت و مکان‌مندی	کم‌توجهی به بعد وجودشناختی احاطه ربوبی و سوگیری ناشی از فقر منابع امامیه در داده‌های انگلیسی

٤. چالش‌های معنایی، لغزش‌های تأویلی و پدیده توهم مدل در تبیین صفات خبریه

پدیده «توهم (Hallucination) «در مدل‌های زبانی بزرگ به تولید محتوایی اشاره دارد که از نظر واقعی نادرست یا بی‌اساس است اما به‌گونه‌ای روان و محسم ارائه می‌شود که توسط خواننده ناآگاه قابل تشخیص نیست Ji .و همکاران در پژوهش مروری جامع خود این پدیده را به دو دسته تقسیم می‌کنند: توهم وفاداری (Faithfulness Hallucination)که در آن مدل با منبع ارجاعی در تناقض است، و توهم واقعیت (Factual Hallucination)که در آن مدل اطلاعات نادرستی را به عنوان واقعیت ارائه می‌دهد (Ji, Ziwei et al., "Survey of Hallucination in Natural Language Generation", ACM Computing Surveys, vol. 55, no. 12, 2023, p. 3).در حوزه تفسیر قرآن، هر دو نوع توهم می‌توانند رخ دهند و عواقب معرفتی و عملی جدی‌ای به دنبال داشته باشند. توهم وفاداری در این زمینه ممکن است به صورت نسبت دادن دیدگاهی خاص به یک مکتب کلامی که در واقع آن مکتب آن را رد می‌کند ظاهر شود، و توهم واقعیت ممکن است در ساخت استناد به منابعی که وجود ندارند یا ارائه ترجمه‌ای نادرست از عبارت عربی تجلی یابد.

در موضوع صفات خبریه که استواء نمونه بارز آن است، خطر خاصی وجود دارد که از ماهیت این صفات ناشی می‌شود. صفات خبریه صفاتی‌اند که عقل مستقل از وحی به اثبات یا رد آن‌ها دسترسی ندارد و تنها از طریق نص قرآنی یا روایی شناخته می‌شوند. این بدان معناست که هیچ پایه عقلی مستقلی برای قضاوت درباره درستی یا نادرستی یک تفسیر از این صفات وجود ندارد و معیار سنجش عمدتاً اجماع سنت تفسیری است. یک مدل زبانی که بر اساس آموزش آماری کار می‌کند ممکن است در این فضا به تولید تأویل‌هایی بپردازد که با هیچ سنت کلامی مستقری سازگار نیست، اما از نظر زبانی روان و منسجم به نظر می‌رسند. این نوع لغزش تأویلی را می‌توان «توهم الهیاتی (Theological Hallucination)» نامید، چرا که نه تنها واقعیت خارجی بلکه سنت تفسیری را نیز جعل می‌کند.

لغزش‌های تأویلی Claude در تبیین صفات خبریه را می‌توان در چند نوع طبقه‌بندی کرد. نخست، گرایش به «میانه‌روی آرام‌بخش»: مدل اغلب تمایل دارد در مواجهه با اختلافات کلامی جدی، پاسخی ارائه دهد که تناقضات را به حداقل می‌رساند و گویی تمام مکاتب در نهایت به یک نتیجه واحد می‌رسند، درحالی‌که واقعیت تاریخی نشان می‌دهد این اختلافات گاه به درگیری‌های کلامی و حتی سیاسی انجامیده‌اند. این تمایل را Benderو همکاران در چارچوب مفهوم «ببغای تصادفی (Stochastic Parrot) » صورت‌بندی کرده‌اند، که در آن مدل به دنبال هماهنگی آماری در داده‌ها است، نه بازتاب واقعیت‌های اختلافی (Bender, Emily M. et al., "On the Dangers of Stochastic Parrots: Can Language Models Be Too Big?", Proceedings of FAccT 2021, p. 617.). دوم، خلط ناخواسته رویکردها: مدل ممکن است در یک جمله ویژگی‌هایی از چند رویکرد کلامی متفاوت را در هم بیامیزد به گونه‌ای که موضع به‌دست‌آمده با هیچ‌یک از مکاتب تاریخی مطابقت ندارد.

سومین و شاید اساسی‌ترین چالش معنایی این است که مدل‌های زبانی از نظر ساختاری قادر به درک «معنای تعلیقی» (Suspended Meaning) نیستند. معنای تعلیقی مفهومی است که در سنت کلام اسلامی، به‌ویژه در موضع تفویض، مرکزی است: گوینده یا مفسر اذعان می‌کند که واژه معنایی دارد اما آن معنا در حیطه فهم بشر نمی‌گنجد. این «توقف» در واقع نوعی موضع‌گیری فعال است، نه سکوت منفعل، اما برای یک مدل زبانی که از او انتظار می‌رود پاسخ تولید کند و از تولید محتوا ناتوان نیست، بازتولید این توقف معنایی امر دشواری است. به همین دلیل مدل در مواجهه با این نوع موضع‌گیری، معمولاً آن را به یک عبارت توصیفی ساده تقلیل می‌دهد و عمق و بار معرفتی آن را از دست می‌دهد. این محدودیت بنیادی، نه از نقص تکنیکال خاص Claude، بلکه از ماهیت خود پردازش زبان آماری ناشی می‌شود و برای هر ارزیابی جدی از کاربرد مدل‌های زبانی در الهیات اسلامی یک هشدار اساسی است.

جدول نتایج چالش‌های معنایی، لغزش‌های تأویلی و پدیده توهم در صفات خبریه

نوع چالش / لغزش	تبیین رفتاری در مدل (Claude)	پیامد معرفتی در مطالعات قرآنی
توهم الهیاتی	جعل پیوند میان دیدگاه‌ها و مکاتب، یا ارائه متن به‌ظاهر منسجم فاقد سند تاریخی	خدشه به اصالت و اعتبار استنادهای رجالی و کلامی
میانه‌روی آرام‌بخش	تعدیل ساختگی اختلافات کلامی و نشان‌دادن همگرایی صوری میان فریقین	پنهان‌سازی نزاع‌های بنیادین معرفتی و تطورات تاریخی مذاهب
خلط روش‌شناختی	ترکیب التقاطی مبانی کلامی متناقض (مانند تلفیق تأویل عقلی با سلف‌گرایی)	تولید گفتمان‌های ترکیبی نامعتبر و بی‌ریشه در سنت تفسیری
امتناع معنای تعلیقی	ناتوانی از بازتولید «توقف معرفتی/تفویض» و تبدیل سکوت روش‌شناختی به تولید متن	تقلیل موضع اصیل تفویض به عبارات توصیفی سطحی و بدون بار معرفتی

نتیجه‌گیری

بررسی عملکرد مدل Claude در تحلیل آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» نشان می‌دهد که این مدل در سطح واژه‌شناختی از توانایی نسبی در بازنمایی چندمعنایی ریشه «س و-ی» برخوردار است و عموماً از تحمیل معنای جسمانی صرف بر واژه استواء پرهیز می‌کند. با این حال، همین توانایی محدود در سطح بلاغی دچار شکست جدی می‌شود؛ آنجا که تحلیل مستقل ساختار نحوی آیه، از جمله دلالت تقدیم جار و مجرور بر فعل و پیامدهای تفسیری آن، نیازمند استنتاج از نظام معنایی درونی متن است نه صرف بازیابی الگوهای آماری. در سطح کلامی-استدلالی، شکاف عمیق‌تر آشکار می‌شود: مدل رویکرد «گزارش تاریخی» را بر «بازسازی ساختار استدلالی» ترجیح می‌دهد و در نتیجه تفاوت بنیادین میان پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی مکاتب مختلف را به سطح اختلاف تاریخی تقلیل می‌دهد. در بازنمایی سنت امامیه این ضعف شدیدتر است و احتمالاً بازتابی از حضور کمتر منابع کلام امامی به زبان انگلیسی در داده‌های آموزشی مدل است. همچنین گرایش مدل به «میانه‌روی آرام‌بخش» در مواجهه با اختلافات کلامی جدی، تصویری مخدوش از واقعیت تاریخی تنازعات کلامی عمیق میان مکاتب ارائه می‌دهد و نوعی همسان‌سازی مصنوعی پدید می‌آورد که با صحت علمی ناسازگار است. پدیده توهم الهیاتی که در این پژوهش صورت‌بندی شد، در هر دو شکل توهم وفاداری، یعنی نسبت دادن موضعی نادرست به یک مکتب کلامی، و توهم واقعیت، یعنی تولید تأویلی که با هیچ سنت مستقری سازگار نیست، قابل مشاهده بوده و هشداری جدی برای کاربران این مدل‌ها در پژوهش‌های قرآنی و کلامی محسوب می‌شود.

از منظر نظر مختار، محدودیت‌های شناسایی‌شده در عملکرد Claude در این حوزه، نه از نقص فنی قابل رفع در نسخه‌های آتی، بلکه از خصیصه‌ای ساختاری و بنیادین ناشی می‌شود که ریشه در ماهیت پردازش آماری زبان دارد. مدل‌های زبانی از ماهیت خود فاقد پیوند با سنت تفسیری زنده‌اند؛ سنتی که در آن معنا نه در الگوی هم‌نشینی واژگان بلکه در شبکه‌ای از استدلال‌های کلامی، اجماع‌های مکتبی، و مرجعیت‌های روایی نهفته است.

مفهوم «معنای تعلیقی» در موضع تفویض، که در آن گوینده آگاهانه از تعیین معنا خودداری می‌کند، برای مدلی که ذاتاً به تولید محتوا گرایش دارد، نه‌تنها دشوار بلکه اساساً متناقض با ساختار عملیاتی‌اش است. این بدان معنا نیست که کاربرد این مدل‌ها در پژوهش‌های قرآنی به‌کلی بی‌اعتبار است؛ برعکس، در وظایفی نظیر جستجو، تلخیص اولیه، و شناسایی منابع، مدل می‌تواند ابزاری سودمند باشد. اما واگذاری تحلیل کلامی مستقل یا داوری در میان رویکردهای تفسیری به این مدل‌ها بدون نظارت متخصص انسانی، خطری معرفتی است که باید در طراحی روش‌شناسی پژوهش‌های حوزه الهیات اسلامی جدی گرفته شود. آنچه در این پژوهش اثبات شد آن است که معیار ارزیابی یک مدل زبانی در حوزه متون الهیاتی نه صحت واژه‌شناختی، بلکه توانایی بازسازی ساختار استدلالی و درک منطق درونی سنت‌های تفسیری است؛ و در این معیار، مدل‌های کنونی فاصله‌ای محسوس با انتظارات یک پژوهشگر متخصص دارند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱) ابن‌فارس، احمد. (۱۹۷۹) معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دار الفکر.

۲) ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۲۰۰۷) تأویل مشکل القرآن. تحقیق ابراهیم شمس‌الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۳) ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد. (۱۴۱۴ق) لسان العرب. بیروت: دار صادر.

۴) اشعری، ابوالحسن. (۱۹۷۷) الإبانة عن أصول الدیانة. تحقیق فوقیه حسین محمود. قاهره: دار الانصار.

۵) زرکشی، بدرالدین. (۱۳۷۶ق) البرهان فی علوم القرآن. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار المعرفة.

۶) زم، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی.

۷) سیوطی، جلال‌الدین. (۱۹۷۴) الإتقان فی علوم القرآن. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب.

۸) شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق) تصحیح اعتقادات الإمامیه. تحقیق حسین درگاهی. قم: کنگره شیخ مفید.

۹) طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۱۰) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی.

۱۱) فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق) مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۲) قاضی عبدالجبار، أحمد بن الحسین. (۱۹۶۲) المغنی فی أبواب التوحید والعدل. تحقیق جورج قنواتی. قاهره: الدار المصریة.

13) Bender, Emily M., Timnit Gebru, Angelina McMillan-Major & Shmargaret Shmitchell. (2021) “On the Dangers of Stochastic Parrots: Can Language Models Be Too Big?” Proceedings of the 2021 ACM Conference on Fairness, Accountability, and Transparency (FAccT). New York: ACM.
14) Devlin, Jacob, Ming-Wei Chang, Kenton Lee & Kristina Toutanova. (2019) “BERT: Pre-training of Deep Bidirectional Transformers for Language Understanding.” Proceedings of NAACL-HLT 2019. Minneapolis: ACL.
15) Ji, Ziwei, Nayeon Lee, Rita Frieske, Tiezheng Yu, Dan Su, Yan Xu, Etsuko Ishi, Andrea Madotto & Pas Pascale Fung. (2023)“Survey of Hallucination in Natural Language Generation.” ACM Computing Surveys, vol. 55, no. 12.
16) Kalyan, Katikapalli Subramanyam. (2024) “A Survey of GPT-3 Family Large Language Models Including ChatGPT and GPT-4.” Natural Language Processing Journal, vol. 6.
17) Navigli, Roberto & Simone Conia. (2021) “Semantic Role Labeling: An Introduction to the Special Issue.” Computational Linguistics, vol. 47, no. 4.
18) Soskice, Janet Martin. (1985) Metaphor and Religious Language. Oxford: Clarendon Press.